

بررسی تاثیر توانمند سازی نوآورانه بانوان در راستای دستیابی به اهداف توسعه پایدار

مهسا فقهایی^۱، دکتر محمد مهدی اشرفیان رهقی^۲

^۱سازمان متبوع نویسنده اول، mahsa.foghahaei@gmail.com

^۲سازمان متبوع نویسنده دوم، M.Ashrafian61@yahoo.com

چکیده - هدف از پژوهش حاضر مروری نظری بر تاثیر توانمندسازی نوآورانه بانوان در راستای دستیابی به اهداف توسعه پایدار می باشد. ابزار گردآوری اطلاعات این پژوهش منابع کتابخانه ای است. در همین راستا منابع منتشر شده در ژورنال های معتبر داخلی و بین المللی در پنج سال اخیر مطالعه و از طریق جستجوی سیستماتیک کلید واژگان نوآوری، توانمندسازی بانوان، توسعه پایدار، نقش بانوان در توسعه پایدار مورد بررسی قرار گرفته که در فرایند جستجو در نهایت با توجه به چکیده، کلید واژگان، هدف پژوهش ها و مقالات یافت شده و مقالاتی که با پژوهش حاضر هم خوانی بیشتری داشتند مورد استفاده قرار گرفتند. بر اساس یافته ها مشخص گردید که توانمندسازی روانشناختی از متغیرهای تاثیرگذار بر نوآوری بانوان محسوب می شود و باید در سازما ها، بسترهای لازم جهت افزایش توانمندسازی روانشناختی آنها فراهم شود زیرا با افزایش توانمندسازی، بانوان خود را افرادی ایجادگر و خودآغاز می بینند که می توانند به میل خود اقدامات ابتکاری انجام دهند، تصمیم های مستقل بگیرند و افکار جدید را به آزمون بگذارند.

کلید واژه - توانمندسازی، توانمندسازی بانوان، توسعه پایدار، نوآوری

۱. مقدمه

اقتضات و مسائل آنان و یافتن راه هایی برای حل آنها است [۵]. به طور کلی نخستین تعلیم دهنده در یک جامعه و آماده کننده یک نسل آگاه و برخوردار از دانش برای ایجاد و فراهم نمودن بسترهای پیشرفت و توسعه در یک کشور، بانوان هستند و همین امر کافی است که پیشرفت و توسعه بانوان یک جامعه را برابر با پیشرفت و توسعه آن کشور بدانیم [۶]. از سوی دیگر می توان گفت دنیای امروز، برای تحقق توسعه و تسریع فرایند توسعه اقتصادی و محقق شدن عدالت اجتماعی، به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده می نگرد [۷]؛ چون بانوان نیمی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می دهند و دستیابی به توسعه پایدار، بدون مشارکت فعال بانوان امکان پذیر نمی باشد. این امر در حالی است که علیرغم دهه ها توسعه و تلاش برای دموکراسی و حکمرانی خوب در سطح جهانی، بانوان هنوز در میان گروه های آسیب پذیر بوه و مشارکت آنها در بخش های مختلف جامعه همچون رهبری، تصمیم گیری و سیاست گذاری ها، پایین است [۸]. مطابق گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۶، تنها ۳۱ درصد از بانوان در توسعه کشور نقش دارند و در مقایسه با مردان سهم

توسعه پایدار یکی از بزرگترین چالش های قرن ۲۱ و نیز ضرورتی آشکار برای بقای جوامع به شمار می رود [۱] و توسعه ای است که نیازهای نسل های کنونی را بدون خدشه وارد کردن به توانایی نسل های آینده در تامین احتیاجاتشان برآورده می کند. یکی از الزامات اساسی توسعه پایدار، استفاده صحیح از منابع موجود می باشد و با مطرح شدن مفهوم عاملیت انسانی در نظریات توسعه، یکی از شاخص های مهم برای سنجش توسعه هر کشور، وضعیت بانوان و سطح توانمندسازی این قشر می باشد [۲]. می توان این گونه عنوان نمود که ارزش های اصلی توسعه پایدار را باید در ارتقای کیفیت زندگی یعنی توانمندسازی بانوان و مردان در تامین نیازهای اساسی در جهت رفع اختلافات طبقاتی در جامعه، رشد آگاهی عمومی، اعتماد به نفس و اعتقاد عامه مردم به اهداف توسعه و حفظ امنیت و آزادی جست و جو کرد [۳، ۴]. به بیان دیگر توسعه پایدار یک اجتماع حاصل از مشارکت همه اقشار، خصوصا بانوان می باشد و این مشارکت نیز در گروی توجه به نیازها،